امروز بامولانا

به پوسـف درنگـر در دسـت منگر بدین خاری که پایت خسـت منگر





رفاهی که سم است؛ فقری که نعمت بود



کمدی در همهجای جهـان و در همه ادوار تاریخی، _ ــخنگوی طبقات م سخنگوی طبقات محروم و زحمتکش بوده است. کمدینها، صدای آرزوهای طبقات محروم را به گوش دولتمردان و حاکمان میرساندهاند. به همین علت هم هست که اغلب کمدین ها به زندان افتاده یا ممنوع الفعاليت مي شدند در تاريخ ايران هم شاهد این گونه برخوردها هستیم. ضرب المثل ازبان سرخ بز میدهد بر باد، گویای همین ماجراست. در گذشته این جمله بیشتر به کمدین هایی مربوط می شد که در دوران پادشاهان دیکتاتور باید مجیز دیکتاتورها و خودکامگان را می گفتند و چنانچه پا را از گلیمشان دراز تر می کردند، زبانشان قطع می شدیا از حلقومشان درمی آمد. تاریخ کمدی پر است از این گونه خشونتها. یک جامعه ســالم به کمدینها اجــازه می دهد که به مسائل طبقات تحتستم بيردازند علت اين موضوع،

مدتی است خودروام را فروختهام و برای رفتن به

محل کارازوسایل نقلیه عمومی استفاده می کنم. هر روز وقتی در مسیر آمد و شد، به مردم نگاه می کنم،

می میبینم هرکدام از آنها درگیری های خودشان را دارند و به سختی در تلاش انداز پس آن درگیری ها

بر اُیند. اُنچـه دربارهٔ زندگی شُهروندان تُوجهُم را بیشتر به سـوی خودش جلب کرده، در گیریهای

مالی جدی است که مردم از آن رنج می برند. مردم

دارند بــه زحمت زندگی می کنند. تــورم روزبه روز

بیشترمیشودوبهرغم حرف وحدیثها، اتفاق قابل

توجهى براى بهبودوضع معيشتى اين مردم نيفتاده

سـت وقتى به متـرو مىروم،

مى بينـــم همه دمــغ و عبوس هستندهمه ناراحتند وافسر ده!

۔۔ سالھاست مردم چنین وضعے

ر ، پــیں وصعی دارند. سوالی که در این شرایط . ا

برایم مطرح میشود، این است

که آیا مسئولان واقعا دوست

دارندمردم چنین وضعی داشته

باشند و حالشان خراب باشد؟

اگر پاسخ این سوال منفی است،

چرا کسے، کاری نمی کند؟ یا

اتحام مـ شــود بـــا: ده و نمود

ندارد؟ اینها سوًالاتی اُستُ که نُه تنهامن که بسیاری از مردم در وسایل نقلیه عمومی مطرح می کنندو حتی بر سر این موضوعات باهم بحث می کنند

گاهی اوقات با خود می اندیشــم نکند سیاس

رخی از مدیران اجرایی ناتوان این باشد که کاری

كنندتامردممجال فكركردن بهموضوعات مختلف

رانداشته باشند. یعنی شاید این مدیران ناکار آمد و

. ضعیف میخواهند مردم به قدری مشــغول تهید

مانحتاج اولیه زندگی باشیند و آن قدر بر شانههای

خسته خودفشًار تحميل كنند كه ديگر فرصتي

برای فکر کردن به اتفاقات بزرگ نداشته باشند.

این است که جامعه سالم، جامعهای است که به انتقاد ها مى دهد. اين جامعه مى خواهد حفظ سلامت كند . واز آفتهامصون بمانــد، دقیقًا به همین خاطر محور ئفتو گو در کمدی انتقاد است. مهم ترین و سیله و سمب و در صمدی معده است. مهمهر بین ونسینه و هدف کمدی انتقاد به قصد ر سیدن به تعالی است. بنابر این جامعه سالم،جامعه ای است که به اواجازه طرح مضامین انتقادی را می دهد. البته در جوامع خود کامه، جایی برای طرح مضامین انتقادی نمی ماند. در چنین جامعهای کمدین ها ســوراخ مــوش را گران می خرند یا اگر ندارند، می روند رهن و اجاره می کنند! کمدی از سوی دیگر زبان آرزوها هم هست. در این مور دمی شود نسل من ونسل جوانان امروز راباهم مُقايسه كُرد.

نسل من از نسل حوان امروز بهتر ترببت شده است. اصولا من و همنسلان من خودساخته هستب خود من، از کودگی کار کــردم و در جریان تولید قرار گرفتم نسل حاضر نسلی نیست که روی پای خودش ایستاده باشد خانوادهها در این ۲۰ سال اخیر بهشدت .. نگران فرزندانشان بُودند، به شدت به بچههایشان توجه كردند، أنها نمى دانستند توجه بيش از حد به بچهها،

از سر دلتنگی

دیگر من متعلق به دورهای هستم که چشم اندازهای روشنى پيش رويش بود انقلاب، تحولات اجتماعى و... چشـــهانداز های ما بودند. اما جوان امروز متعلق به ر پ ۱۰ ر ص .ر نسلی است که هیچ چشــمانداز روشنی برای خودش تعریف نکرده است. این نسل نمی داند ۲۰ سال دیگر قرار است چه اتفاقی بیفتد. اما ما ۲۰ سال دیگر را برای خُودُمان تصویر می کردیم و به شــوق همــان اُرزوها، زندگــی می کردیم و قدم در راه تولید می گذاشــتیم حرکت جامعــه ایرانــی در ۲۰ ســال بعد و ســمن حرکت این جامعه برای جوان امروز روشن نیست. ما جامعهای هستیم در اوج تحریم و عملا با هیچجای دنیاار تباطی نداریم. ما در ست مثل دریایی که هیچ رودخانهای به آن نمی ریزد، جامعه بسته ای هستیم آیا چشـــهانداز آینده این دریا، دریاچه ارومیه شدن و بعد خشکیدن است؟ آیا ما یک رود مثل زاینده رودیم که روزی خشک می شویم؟ نسل حاضر اگر به رود فکر می کند، چشماندازش زاینده رود است، اگر به دریاچه

فکر می کند دریاچهارومیه رامی بیند. برای همین هم

جامعه را متحول کند از کشــورهای خارجی وارد

تابع سلیقه فردی مدیرانمان بودیم. یعنی هر کس،

أن سليقه را وارد فاز اجرايي مي كرد ايراد اين بود

ببریم. همیــن فردگرایی در تبلیغــات، آموزش و

پرویه سیس طرد طریعی هر سیست ۱۳۰۰ مورس و پرورش و ... هم حضور دارد. همیشه از سوءمدیریت صحبت کر دهایم اما آیا تاکنون به واژه سوء مدیریت

مراتب بالای اداری و دولتی حضور دارد از مریخ

أمده است؟ او هم از بین جامعه آمده و دیدگاههای

در زمان پهلــوی،زن به یک کالا تبدیل شــده بود.

تبليغات «عموروغن فروش» أن زمان، دقيقا همين

نمَّايمٌ؟ مُكَّر فَــردى كه به عنـــوان مدير در

عر اندیشهای داشـت و فکر می کرد در ب

ـد. ما دُر طول تاريخ بهُويَرْه معاصَر، بي

ماهى كوچكى است كەروزى بەدريامى رسد بەھمىن طر با استفاده از اندیشه، شور و ایدئولوژی، جهان و حتى فقررا پشتسرمى گذاشتيم، من وقتى كودكى و نوجوانى خودمراباجوانان نسل كنونى مقايسەمى كنم، ختیهای گذشــته رابه یادمی آورم الان دختر من که ۱۹ ســال دارد، کاملادر رفاه بهسر می برد. این رفاه برای او سم شده، در حالی که آن فقر برای من نعمت بود. فقر مرا ساخت ولی این رفاه او را نساخته، شاید بەدلىل أن كە چشماندازھاى جھان عوض شدہ است. چشمهاندازهای جهان عصر ماروشن و امیدوار کننده بودو چشـــهاندازهای جهان حاضر برای جوانان امید چندانی نمیزاید.آیا جنگ جهانی در پیش داریم؟ آیا آیا کرهزمین بهخاطر بی غیرتی ها و بی همتی ها نابود می شود؟ لایه اوزون سوراخ شده و جهان هر روز گرم تر میشود.آبدراین کره، کمتر شده وهمه اینها به خاطر خطاهای انسانی است در حالی که جهان عصر ما جهان پراز امیدو شور و هیاهو بود.

P A

بـه سـاقی درنگـر در مسـت منگــر

بدان گلزار ہی پایان نظر کن

ماهی سیاه کوچولو گفت: نه مادر، من دیگر از این گردشها خسته شدهام، میخواهم راه بیفتم و بروم ببینمجاهای دیگرچه خبرهایی هست. ممکن است، فکر کنی که کسی این حرفها را به ر . ماهی کوچولو یاد داده اما بدان که من خودم خیلی وقت است در این فکرم.البته خیلی چیزها هم از این ر - - - - ر ت کر کر از کی در کر کرد کرد کو بیشتر و آن یــاد گرفتهام، مثلااین را فهمیدهام که بیشــتر ماهیها،موقع پیری شکایت می کنند کهزند گیشان را بیخودی تلف کردهاند. دایم ناله و نفرین می کنند و از همهچیز شکایت دارند من می خواهم راستی راستی زندگی یعنی این که توی یک تکه جا، عی بروی وبر گردی تا پیر شوی و دیگر هیچ، یااین که طور دیگری هم توی دنیامی شود زندگی کرد؟!.. برشی از کتاب «ماهی سیاه کوچولو»

یکخبر|یکنگاه

ترجیح می دهند، در مسیر خود، افراده پیاده را

حفاظت محیطزیست نمی تواند معجزه کند،

گفت: تمامی سازمانها و وزار تخانههای کشور بایدبرای حل بحرانهای محیطزیستی همکاری

شدیدی داشته باشند. ۴- گمان نمی کنیم که شهروندان تهرانی یا سایر شهرهای بزرگ، از سازمانهای مرتبط شهرهای بزرگ، از سازمانهای مرتبط شهرهای برد شهرانسته باشند. آیا

حقیقتا کشورهای غربی برای کنترل آلودگی هوا

معجزهمی کنند؟ «شایگان سالک گفت: درصد قابل توجهی از

آلودگی هوا ناشـــی از تردد خودروهای فرســوده است. اگر بتوانیم تعداد آنها را به هر نحوی کاهش

دهیچ یــا ۷۰ تــا ۸۰ درصد موتور ســیکلتهای

ر از الموتور سیکلت های برقی جایگزین در حال ترددراباموتور سیکلت های برقی جایگزین کنیچ، می توانیچ در یک برنامه زمانی ۳ ساله وضع

سیههای میران چشمگیری بهبوددهیم» ۵- کاهش تعداد خودروهای فرسوده، ابه هر نحوی» دقیقایه چه معناست؟ ۶- آیــا حقیقت انتظار بجایی اســت که از

موتورسواران بخواهيم موتورشان را كنار

بگذارنسد و بهجای آن موتورسیکلت برقیی ۱۰میلیون تومانی رابخرند؟

شاتر

ایگان سالک با تأکید بر این که سازمان

همراهباآلودگي!

ماازتيرهدومهستيم صمدبهرنگی

> علمی دانشگاه صنعتی شریف در گفت و گوباایسنا گفت: آلودگی هوای تهران مولفه های زیادی دارد. هنــوز نــاوگان حملونقــل عمومي كافي ت و این باعث افزایش آستفاده از خُودروهای سواری و تکسرنشین از سوی شهروندان میشُود، بنابراین تاوقتی که خودروهای فرسوده و موتورسیکلتهای آلاینده در سطح شهر تردد

یں. انجام دھند، چنین تجاربی ندارند. ۲-آیا اگر دوستانی که تز استفاده از ناوگان حمل ونقــلُ عُمومــی را میُدهند، در شُــرُایط مشابهی بامردم بودند، خودشان نیز چنین کاری

می کردند؟ ۳-احتمالااین افراد انتظار ندارند حالا که بعضى از شهروندان استفاده از خودرو شخصى، ، هزینه بنزین و ترافیک را به فشار جسمی و عصبی و خستگی ناشی از ناوگان حمل ونقل عمومی

اسيدجلال الدين شايگان سالک، عضو هيأت نّی کُننُدَ، هواناسالم خواهد بود.) ۱- ناکافی بودن وسایل حمل ونقل عمومی را

همه شهروندان سطح متوسط تهرانی با پوس و اســتخوان درک می کنند. همه کســانی کا و استخوان درک می کنند. همه کسانی که با مترو یا اتوبوسهای بی آرتی تردد می کنند، گرما روی بروبوس می این از می ترمایی مسار و سرماو فشار و جیب بری و برا تجربه کردهاند، همگی بر این موضوع اتفاق نظر دارند، مشکل این جاست که کسانی که باید در این زمینه کاری

امروز به چی فکر می کنی؟

ابزار را داشت. به نظر می رسد در این دوره نیز کسی

. رور مسئول وناظر بر تبلیغات نیست.ممکن است: هادی به صورت صوری بر مسند امور باشد اما اینها به نظر

من تعُريــفُ دُقيقي از تبليغاتُ بــراى جامعه ايرانُ ندارند، براى همين است كه تبليغات ما در سر تاسر

خیابان هــا، به طور عمومــی برندهــای خارجی را شامل می شود. برای رقابت کردن در مسیر درست،

شامل میشود. برای رقابت کردن در مسیر درست. باید کالایــی در ردیف و همعــرض کالای خارجی

دراختیار داشته باشید والا، کاری از پیش نخواهید برد و اساسا رقابت معنایی ندارد. به نظر من مسأله

جایگزینی در تبلیغات بسیار مهم است و چون ما

ب سے کش کومھا و

۔ .. رہی کر ۔ کر کہا جایگزین مناسبی نداریم، نمی توانیم موفق باث مثلا خودرویی را با عنوان اســب ســر کش کوه

جادهها تبلیغ می کنیچ، بعد که مصرف کننده سوار خودرو می شود، نه امنیتی در کار است و نه آسایشی

تبلیغاًتی که همراه بافریب ونیرنگ و دروغ باشد و آن ویژگی هایی که در تبلیغ آمده، در کالا وجود نداشته

باشد، باعث بي اعتمادي جامعه نسبت به أن كالا

. میشود. از سوی دیگر در تبلیغات جاری و مرسوم، ذرمای از ظرفیت پارامترهای بومی دیده و استفاده

ی شـُود. از نظر معماری، نقاسی، موسیقی و.. لور کلی در جزءجزء داشتههای ما، ظرفیتهای

قابل تاملي وجود دارد اما دريغ از قدر دانســـتن! علم

فرآیند تبلیغ شــما به مسئول تبلیغ ایده می دهید

خودیه آن اعتقاد داریدیه حامعه تحمیل کنید. ه

فردی ویژگیهایی دارد که ممکن است با فرد دیگر

متفاوت باشد.از قضاهمین تفاوتهاست که جامعه

را می سازد. همین تفاوت نیاز به ایجاد و توسعه نهادهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را پدید

و شبیه هم زندگی کنند اصلا جامعهای به وجود

نمى آمد با توجه به اين مسائل بايدبيذير يم تبليغات .ی..... بر جه به این مسحن باید بپدیر دم بدیعات ما درست مثل بقیه داشــته هایمان از دل فرهنگ بومی به وجودنیامد داست.

. می آور د. اگر بنا بود همه افراد مثل هم بی

ساً مدیریت تفاوتهای اساسسی دارد. در

جمع گراو تكثر گرانيستيم

ابراهيم حسنخان فروشنده كتاب

ر رزید. تجاری در جامعه ایران می اندیشه ذهنم معطوف به بازاریابی کالاهایی است که نه کیفیت خوبی دارندو نه به صورت حساب شده، به بازار معرفی می شوند. همه این اتفاقات، جامعه ای را که در شرایط تحریم قرار دارد، به استفاده از کالاهای خارجی(هرچند نامرغــوب) ســوق داده اســت. وجود ایــن روند، مقصرهای زیادی دارد اما معتقدم نظام آموزشــی در ایران باید به خاطر چنین اتفاقی خودش را مقصر بداند. در گذشــته نظام آموزشی ما نظامی آزاد بود. به چه معنا؟ به این معنا که مثلاًاگر این س این خود آغــاز در گیری ذهنی است. تفريح أن است كه فرد با ر در ... و بعد هم متوجه نشــود که چه خوانده اســت. اما متاسفانه هر کدام از ما بعد از مشروطه تمام ار تباط است سری ن انجام آن، فکرش آزاد شود و در احظات استفاده از آن تفریح فرهنگی خودمـــان را با جامعه فرهنگی از ده خاص،بەھىچچىزى فكرنكند. دادهايم البته نه به اين معناكه نظامسنتي فاقدايراد این موضوع هر روز و هر روز مرا . بود بلکه این مسیر طی شده از مشروطه تاکنون از ر. دل فرهنگ خودمان بیرون نیامـــده بود. ار تباطات قطع شد و در نتیجه نظام فرهنگی که می توانست

. میشـود گفت، ایــن موارد همه ما را درگیر کرده. کافی اسـت پاُیتُ را دُرون تاکسی یا مترو بگذاری تا چهره عبوس،

ردم سرهایشــان را پایین انداختهانــد و درگیر درُ گیرند ً رنگ چهره مردم زرد شده است. قُصدُ لياهنمايى ندارم اما دلسم نمىخواهد واقعيتها را هــم ناديــده بگيــر م. گروهـــي از ثروتمندان و ر کرد تا در از کرد کا در دارند و تفریح دارند و فرزندانشان را در بهترین مدارس ۲زبانه، ۳ زبانه و ۶۰ زبانه ثبتنام می کنند و بسه راحتی هم از پس

چروکیده و در خود فرو رفته مردم را ببینی، هم

امروز وضع طوری است که مردم ما به کوچکترین حات قانع هستنداما نكته جالب آن است كه در ۔ برخی موارد از همین تفریح کوچک هم محرومند امروز یک خانواده ۳ نفره برای رفتن به س م برای ماهی یکبار، چقدر باید هزینه کند؟ اصلا م این خُانواده که جــزوُ خانوادههای کُمجمعیت هم هست،مَى توانداز پسُ هزينُه يکوعده شام خوردن و ســوخت خُودرُو و... بر أيد؟ جوابُ اين سوال قُطعا منفی است. تازه این نکته را هم باید لحاظ کنیم که سینما تفریح نیست. افراد با دیدن یک فیلم در گیر آن و زوایای مختلف فیلم می شوند و تازه

كافى است پايت را درون تاکسی یامتروبگذاری تا چهرهعبوس،چروکیدهودر خودفرورفتهمردمراببینی، همهمردمسرهايشان رايايين انداختهاندودر گیردر گیرند. رنگچهرهمردمزردشده

است.قصدسیاهٔنمایی ندارماما دلمنمی خواهدواقعیتهاراهم ناديده بگيرم

سیاهنمایی نمی کنم، واقعیت چیست؟

حامدمدرس مجرى

هر روز به محیط اطراف نگاه می کنم و به تبلیغات

عذاب مي دهـد خود من هم تا حدودی باایسن موضوع در گیر

مخارج زندگی بر می آیند. آنها اصلابه فکر ما نیستند. اما سوال اصلی هنوز برقرار است: این چه عدالتي است؟

دانش آموزان دبســـتان آیت الله معصومی همدان در یک اقدام خودجوش و به خاطر همدردی با آقای قادری معلم ورزش خود که از قهرمانان دوچرخه ســواری استان ودارای بیماری سرطان است

ابراز همدردي دانش آموزان بامعلمورزش

